

پیامبر (ص) در مکه



پس از سه سال دعوت پنهانی وقت آشکار نمودن دعوت پیامبر شد ایشان در اولین اقدام از خویشان و اقوام خود دعوت به عمل آورد و در آن جلسه فرمود: هر کسی نخست ایمان بیاورد برادر و جانشین من خواهد بود. به نوشته مورخان تنها حضرت علی (ع) ایمان قلبی خود را بیان کرد و دست بیعت با پیامبر داد. ولی با افزایش تعداد مسلمانان مشرکان دست به شکنجه و آزار و اذیت تازه مسلمانان بی دفاع و بی کس زدند و با شهادت گروهی از آنها به آزار خود پیامبر پرداختند و جعفرین ابیطالب مسلمانان را به حبشه برد و عمروعاص در بازگرداندن آنها ناکام ماند، مشرکان که نتوانستند مسلمانان را از حبشه باز گردانند تصمیم گرفتند میان خود عهدنامه ای بنویسند و پیامبر و بستگانش را تحریم اقتصادی کنند از سال هفتم تا دهم بعثت این عهد نامه پا برجا بود و پیامبر به همراه ابوطالب و مسلمانان در یکی از دره های نزدیک مکه به نام شعب ابیطالب دوران سختی را گذراند و به خواست خداوند عهد نامه توسط موربانه ها از میان رفت در سال یازدهم بعثت گروهی از مردم یثرب که به مکه آمده بودند با پیامبر آشنا شدند و در صدد بر آمدن با قبول اسلام و اطاعت از پیامبر خدا اختلافات میان خود را کنار بگذارند لذا تعدادی از آنها با پیامبر پیمان بستند و قول دادن که رسول خدا را یاری کنند که به انصار یعنی یاری کنندگان مشهور شدند و وقتی مشرکان قریش تصمیم به قتل پیامبر بستن ایشان به سمت یثرب رهسپار شدند و بعد از ایشان حضرت علی (ع) و گروهی از مسلمانان برای حفظ دین و ایمان اموال خویش را رها کردند و از شهر خود یعنی مکه به یثرب مهاجرت نمودند که به مهاجرین یعنی هجرت کنندگان معروف شدند.



رسول خدا (ص) چهل و پنج نفر از سران بنی هاشم را جهت ابلاغ مأموریت خود و دعوت ایشان به یکتا پرستی دعوت کرد ولی با صحبت های ابولهبت جلسه تا تمام ماند و روز بعد به جز ابولهبت جلسه تکرار شد و در آنجا دست یاری و پشتیبانی دراز کرد ولی جز حضرت علی (ع) کسی یاری گر او نشد. در دعوت همگانی نیز بدون توجه به خطرات این کار با جدیت دعوت خویش را آغاز کرد، قریش در واکنش به سخنان او ابوطالب را احضار کردند و جمله معروف پیامبر به عمویش این است که عمو جان اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارند هرگز دست از دعوتم بر نمی دارم. مشرکان از تهدید و تطمیع از پیامبر با ثروت و زن گرفته تا ریاست قریش و آزار و اذیت پیامبر راه به جای نبردند. در مهاجرت به حبشه به سر پرستی جعفرین ابیطالب ۸۳ مرد و ۱۸ زن همراه او بودند و نجاشی در نهایت فریب نقشه عمروعاص و همراهان رانخورد و هدایا آنها را باز پس فرستاد. از تحریم شنیدن قرآن و تهمت سحر و جادو کردن پیامبر گرفته تا محاصره اقتصادی پیامبر به مدت سه سال باز پایداری پیامبر و مسلمانان آنها را به ستوه آورد و البته حضرت خدیجه و ابوطالب تمام دارای خود را در سه سال محاصره اقتصادی از دست دادند با مرگ ابوطالب که پشتیبان پیامبر (ص) بود نیز پیامبر (ص) طاقت از کف نداد و در گذشت حضرت خدیجه نیز نتوانست او را از پای درآورد - در هنگام در گذشت حضرت خدیجه پیامبر ۴۹ سال و ۸ ماه و ۱۱ روز بود و همسر ایشان ۶۵ ساله و عموی ایشان ابوطالب ۹۰ ساله در این احوال پیامبر به معراج می رود و روحیه پولادین و عظیم بدست می آورد و مصمم در کارها می شود و علت معراج این است که خداوند خواست پیامبر خود را بر فرشتگان و ساکنان آسمانها برتری دهد و به او عجایب خلقت و نشانه های عظمت خود را نشان دهد تا پس از بازگشت به زمین امت خود را از این آیات آگاه سازد. پس از پیمان با انصار در سال ۱۲ بعثت که دومین پیمان در عقبه بود ۷۵ نفر که ۲ نفر آنها زن بودند از مردم یثرب ایمان آوردند و وقتی بدستور خداوند مأمور به هجرت شد در آن شب حضرت

علی (ع) در بستر خوابید و پس از سه روز اقامت در غار ثور به همراه **ابوبکر** - **عبدالله پسر ابوبکر** و **عمر غلام ابوبکر** چهار نفری از طریق خط ساحلی طی ۲۰ منزل خود را به یثرب رساندند اولین نقطه در یثرب منطقه قبا است که بعد ها اولین مسجد اسلام در آنجا بنا شد .

آدرس لینک صفحه : www.amouzeshelmi.ir/tarikh/1/17/tarikh-1-17.htm

اجرا و پشتیبانی توسط مؤسسه فناوری اطلاعات کاشف